مدل مفهومی عوامل زمینه‌ساز تعارضات والد – نوجوان از دیدگاه والدین[1]

غلامرضا کشاورز[2]
دکتر شکوه نوابی‌نژاد[3]
دکترکیانوش زهراکار[4]

چکیده

تعارضات والد- نوجوان، از مهم‌ترین مشکلات خانواده‌های دارای فرزند نوجوان است که عوامل بسیار در ایجاد آن نقش دارند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل زمینه‌ساز تعارضات والد– نوجوان و برمبنای راهبرد نظریه داده بنیاد، انجام شده است. ۱۴ زوج، از میان والدین دارای فرزند نوجوان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره آموزش و پرورش و واحد مشاوره مدارس شهر اصفهان، به روش نمونه‌گیری نظری، هدفمند و داوطلبانه انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق تا رسیدن به اشباع نظری، گردآوری و با کدگذاری نظری (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) تحلیل شدند. نتایج کدگذاری باز، منجر به شناسایی ۹۲۵ کد اولیه، ۳۷۷ کد ثانویه، ۷۸ مفهوم، ۱۸مقوله و ۴ عامل اصلی (عوامل مربوط به نوجوان، والدین، خانواده و جامعه) شد. نتایج کدگذاری محوری نشان داد که مقوله محوری مدل پارادایمی سبک فرزندپروری ناکارآمد والدین است که تحت تأثیر شرایط علّی (ویژگیهای شخصیتی، ویژگیهای جمعیت‌شناختی، تعارضات زناشویی، ناآگاهی والدین) قرار دارد و در کنار شرایط مداخله‌گر (عوامل استرس‌زای محیطی، دوستان و فناوری) و شرایط زمینه ای (سطح پایین کیفیت زندگی خانواده، عملکرد ناقص خانواده، بلوغ، تجارب ناخوشایند گذشته و ناآگاهی نوجوانان) بر راهبردهای والدین و نوجوانان تأثیر می‌گذارد که حاصل آن به‌کارگیری راهبردهای ناکارآمد و ایجاد مشکلات رفتاری، شناختی و عاطفی والدین و نوجوانان است. بر این اساس مدل مفهومی مربوطه و خط داستانی آن تبیین شد.

کلیدواژگان: تعارضات والد- نوجوان، عوامل مربوط به نوجوان، عوامل مربوط به والدین، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۶

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است.

۲. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) ghrkeshavarz91@gmail.com
۳. استاد گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی navabinejad@yahoo.com
۴. دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی dr_zahrakar@khu.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی، پویا و ساختاریافته است که برای زیستن و داشتن زندگی مفید، به تعامل و برقراری روابط با محیط نیاز دارد، زیرا تنها راه ممکن برای تأمین نیازهای زندگی است. از مهم‌ترین روابط، روابط خانوادگی است (حمیدی و محمدحسینی، ۲۰۱۰). روابط خانوادگی، مهم‌ترین عامل خانوادگی مؤثر بر سلامت روان فرزندان (تامالا–نارا و ستاشیوم- روکرت[1]، ۲۰۱۳؛ آکرودودو[2]، ۲۰۱۰؛ صادق‌زاده و سامانی، ۱۳۸۹) و روابط والد– فرزندی در دوران نوجوانی، مهم‌ترین منبع رشد اجتماعی و هیجانی است (کالینز و استاینبرگ[3]، ۲۰۰۶)، زیرا خانواده، مهم‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و منشأ فرهنگها، تمدنها و تاریخ بشری (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲)، مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و مهم‌ترین رکن جامعه (پناهی و زارعان، ۱۳۹۱)، مهم‌ترین عامل رشد روانی–اجتماعی فرزندان (گالارین و آلونسو آربیول[4]، ۲۰۱۲) و مهم‌ترین عامل اثرگذار بر سلامت روان انسان است و می‌تواند کانون التیام همه زخمها و در مقابل، کانون ایجاد زخمهای عمیق در اعضایش باشد (نظری، ۱۳۹۴) که در بین تمامی نهادها، سازمانها و مؤسسات اجتماعی، مهم‌ترین، ارزشمندترین و اثربخش‌ترین نقشها را دارد (نوابی‌نژاد، ۱۳۹۵).

از واقعیتهای جدید زندگی، سرعت فوق العاده تغییر در نهاد خانواده و ایجاد مشکلات خانوادگی است (کارلسون، اسپری و لویس[5]، ۱۹۹۷، ترجمه نوابی‌نژاد، ۱۳۹۵). مشکلات خانوادگی به حالاتی بیمارگونه اطلاق می‌شود که در عملکرد بهنجار فرد یا سیستم خانواده اختلال ایجاد می‌کند و مانع عملکرد بهنجار فرد و سیستم خانواده می‌شود (نیلفروشان، عابدی و احمدی، ۱۳۹۳). مهم‌ترین چالش، دگرگونی سریع هنجارها و ارزشهای خانوادگی میان فرزندان با والدین و تعارض[6] بین آنهاست (معیدفر و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰). تعارض، به ناتوانی در حل تفاوتها اشاره دارد که بیشتر مواقع با تنش، خصومت یا پرخاشگری همراه است (هال، ۱۹۸۷) و اساسی‌ترین مشکل خانواده‌های دارای فرزند نوجوان (استاینمتز و ساسمن[7]،۲۰۱۳)، جزء طبیعی مرحله چهارم (مرحله خانواده دارای فرزند نوجوان) در چرخه خانواده (نیکولز[8]، ۲۰۱۲) است که در طول سالهای اولیه

1.Tummala-Narra & Sathasivam - Rueckert
2. Okorodudu
3. Collins & Steinberg
4. Gallarrin & Alonso-Arbiol
5. Carlson, Sperry & Lewis
6. Conflict
7. Steinmetz & Sussman
8. Nichols

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

نوجوانی شکل می‌گیرد (مک‌کینی و رنک[1]، ۲۰۱۱؛ پیرسون[2]، ۲۰۰۵)، مرحله ای که خود نوجوان نیز درگیر بحران ناشی از تغییر و تحولات دوران بلوغ است (شیفر و کیپ[3]، ۲۰۱۱). بنابراین می‌توان چنین بیان کرد که تعارضات والد–نوجوان[4]، از مهم‌ترین مشکلات خانوادگی و فرایندی است که عامل اساسی آن ادراک یا احساس ناسازگاری است و می‌تواند درون فرد، میان دو یا چند نفر، گروه یا سازمان اتفاق بیفتد و حالت پنهان یا آشکار داشته باشد و نقشی بسیار مؤثر در ایجاد مشکلات عاطفی، رفتاری، شناختی اعضای خانواده به ویژه نوجوانان دارد. برای مثال می‌توان به پژوهشهای ریاحی، اسمعیلی و کاظمیان (۱۳۹۵)، صلواتی و شکری (۱۳۹۴)، محمدی‌پور و جعفرزاده (۱۳۹۴)، اسدی، جاویدی و قاسمی (۱۳۹۴)، قمری، امیری‌مجد و خوشنام (۱۳۹۳)، شهنی‌ییلاق، عزیزی‌مهر و مکتبی (۱۳۹۲)، خواجه‌نوری و هاشمی‌نیا (۱۳۹۰)، مارکل و وینر[5] (۲۰۱۴)، مارسو[6]، دورن[7] و ساسمن (۲۰۱۲)، جئوانگ، ساید و کوکستن[8] (۲۰۱۲)، مویترا و موکرجی[9] (۲۰۱۲)، ونجلیستی[10] (۲۰۱۲)، کو و روتر[11] (۲۰۱۱)، موتی– استفانیدی، پاولوپولوس و تنتاروس[12] (۲۰۱۱)، آدریان، زمن، اردلی، لیزا و سیم[13] (۲۰۱۱)، شالت[14] (۲۰۱۱) و کولبرگ، پنیا و زایاس[15] (۲۰۱۰) اشاره کرد.

عوامل بسیار در ایجاد تعارضات نقش دارند. معیدفر و صبوری خسروشاهی (۱۳۹۰)، گسترش رسانه‌های جدید، توسعه آموزش، دسترسی به اطلاعات، رشد فردگرایی، تغییر گروه مرجع و پیدایش ارزشها، پوربافرانی (۱۳۹۲)، تغییرات زیست‌شناختی و روانشناختی مربوط به بلوغ، رشد شناختی نوجوان، خودمختاری و استقلال‌طلبی نوجوان، سبک دلبستگی نوجوان و گروه همسالان و دوستیهای دوران نوجوانی، سبکهای فرزندپروری، تعارض زناشویی، پایگاه اجتماعی– اقتصادی خانواده، سبک حل تعارض والدین و نوجوان، مهارتهای ارتباطی والدین و نوجوان و ویژگیهای شخصیتی والدین و نوجوان و نوروزی اصفهانی (۱۳۹۳)، تغییرات زیست‌شناختی، شناختی،

1. McKinney & Renk
2. Pearson
3. Shaffer & Kipp
4. Parent-adolescent conflicts
5. Markel & Wiener
6. Marceau
7. Dorn
8. Juang, Syed & Cookston
9. Moitra & Mukherjee
10. Vangelisti
11. Koh & Rueter
12. Motti-Stefanidi, Pavlopoulos & Tantaros
13. Adrian, Zeman, Erdley, Lisa & Sim
14. Schalet
15. Kuhlberg, Peña & Zayas

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

اختلاف در ادراک، پیچیده‌شدن مسائل هویتی، جنسیت، انتخابهای زندگی و پیشرفت، تغییر در ارتباط و قدرت، تغییر در دلبستگی، ارزشها، بهره‌کشی والدین و خودمحوری نوجوانان را از عوامل مؤثر بر تعارضات والد– نوجوان می‌دانند. همچنین سبک فرزندپروری والدین (برکین، لاورس، ورهالست و ون در اند[۱]، ۲۰۱۲؛ آشبورن[۲]، ۲۰۰۹؛ دویل و مارکیویچ[۳]، ۲۰۰۵)، تعارضات زناشویی (پوربافرانی، اعتمادی، اکبرزاده و جزایری، ۱۳۹۴؛ خواجه‌نوری و هاشمی‌نیا،۱۳۹۰؛ نوری، ۱۳۸۹؛ قره‌باغی، ۱۳۸۹؛ دویل و مارکیویچ، ۲۰۰۵؛ استاتزمن، بین، میلر، دی، مور[۴]، ۲۰۱۱)، ویژگیهای ارتباطی و راهبردها (سپهری و پاکدامن، ۱۳۸۹؛ جعفرنژاد، اسدی‌یونسی و راستگومقدم، ۱۳۹۴؛ برانج، ون درن، ون در والک و مئوس[۵]، ۲۰۰۹)، ویژگیهای شخصیتی (برانج و همکاران، ۲۰۰۹؛ نوری، ۱۳۸۹)، ویژگیهای جمعیت‌شناختی (انیسی، سلیمی، میرزمانی، رئیسی و نیکنام، ۱۳۸۶)، عوامل استرس زا (سامک، ویلسون، مک‌گیو و یاکونو[۶]، ۲۰۱۶؛ شاه، چاهان، گوپتا و سن[۷]، ۲۰۱۶)، فناوری (معیدفر و صبوری خسروشاهی،۱۳۹۰؛ شاه و همکاران، ۲۰۱۶)، سطح کیفیت زندگی خانواده (پانفیل، لایبل و آی[۸]، ۲۰۱۲؛ بل[۹]، ۲۰۱۱)، عملکرد خانواده (الهیاری و حسینی، ۱۳۹۳؛ پانفیل و همکاران، ۲۰۱۲؛ بل، ۲۰۱۱؛ جئونگ و چون[۱۰]، ۲۰۱۰؛ اسمیت، فریمن و زابریسکی[۱۱]، ۲۰۰۹)، بلوغ (شاه و همکاران، ۲۰۱۶؛ برانج و همکاران، ۲۰۰۹؛ ژیونگ، تیوکامپی و رتیگ[۱۲]، ۲۰۰۸؛ پراتا[۱۳]، ۲۰۰۶)، علم و آگاهی (عابدی، محمدی خشویی و صالحی، ۱۳۹۱)، تجارب گذشته (پوربافرانی و همکاران،۱۳۹۴؛ سپاه منصور، امامی‌پور و امرالهی بیوکی، ۱۳۹۳؛ عابدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ پانفیل و همکاران، ۲۰۱۲) و سبک دلبستگی فرزندان (سپاه منصور و همکاران، ۱۳۹۳؛ خواجه نوری و هاشمی‌نیا، ۱۳۹۰؛ پاکدامن، سیدموسوی، قنبری و ملحی، ۱۳۹۰)، از عوامل مؤثر بر تعارضات والد– فرزندی هستند.

1. Beerkien, Louwerse, Verhulst, &van der Ende
2. Ashbourne
3. Doyle & Markiewicz
4. Stutzman, Bean, Miller, Day & Moore
5. Branje, van Doorn, van der Valk & Meeus
6. Samek, Wilson, McGue & Iacono
7. Shah, Chauhan, Gupta & Sen
8. Panfile, Laible & Eye
9. Bell
10. Jeong & Chun
11. Smith, Freeman & Zabriskie
12. Xiong, Tuicomepee & Rettig
13. Prata

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

تفکر در پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگر چه نتایج پژوهشهای کمّی، قابل تعمیم اند، اما در آنها به بررسی چند سؤال و فرضیه دربارهٔ وجود برخی از عوامل و متغیرها بسنده شده است و از آنجا که فهم و نقش کنشگر و تجربه زیسته او مورد توجه نبوده و داده‌ها تنها با پرسشنامه حاصل شده، دسترسی به لایه‌های عمیق پدیده مورد بررسی کمتر فراهم شده است. اندک پژوهشهای انجام شده نیز که تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان را بررسی کرده اند، جامع نبوده و تنها به تعدادی از عوامل پرداخته اند. بنابراین می‌توان گفت که بیشتر پژوهشهای انجام شده در این زمینه پراکنده است و پژوهشگران تاکنون الگویی جامع از عوامل زمینه‌ساز تعارضات والد– نوجوان ارائه نکرده اند، بنابراین ضروری است که مطالعاتی به روش کیفی و بر اساس راهبرد نظریه داده بنیاد[1] انجام شود تا عوامل زمینه‌ساز تعارضات والد- نوجوان شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، سؤال اصلی پژوهش این است که عوامل زمینه‌ساز تعارضات والد– نوجوان کدام اند و آیا داده‌های حاصل، در قالب مدل مفهومی قابل تبیین است؟

روش‌شناسی پژوهش

روش: پژوهش حاضر به روش کیفی و بر اساس راهبرد نظریه داده بنیاد انجام شده است. عوامل بسیار در انتخاب روش پژوهش، نقش دارند. زمانی که در حوزه ای، متغیرها ناشناخته (کرسول و پلانو کلارک[2]، ۲۰۰۷؛ ترجمه کیامنش و سرایی، ۱۳۹۴) و مطالعات از نوع «تجربه زیسته» باشند، یعنی از دیدگاه کسانی که آن را تجربه کرده اند (مکسول[3]، ۲۰۰۵)، از روش پژوهش کیفی استفاده می‌شود. ازجمله راهبردهای پژوهش کیفی، راهبرد نظریه داده بنیاد است که به جای پیش‌فرضهای نظری، به میدان مطالعه و داده‌های حاصل از انجام پژوهش در میدان مطالعه اولویت می‌دهد (فلیک[4]، ۲۰۰۶؛ ترجمه جلیلی، ۱۳۹۶). از آنجا که در پژوهش حاضر در پی بررسی فرایند تجربه منتهی به تعارض مشارکت‌کنندگان بودیم، راهبرد نظریه داده بنیاد بهترین روش برای این منظور بود چرا که با در نظر قرار دادن تجارب آنها به فهم فرایندی پدیده تعارض کمک می‌شد. از سویی نیز چون مدل مفهومی برمبنای داده‌هایی که به صورت منظم گردآوری و تحلیل شده اند، تدوین شده است و مقوله محوری براساس شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه ای، راهبردها و پیامدها، مورد بررسی قرار گرفته است، تبیین بهتری ارائه می‌دهد.

1. Grounded theory
2. Creswell & Plano Clark
3. Maxwell
4. Flick

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

جامعه مورد مطالعه: جامعه مورد مطالعه همه والدین دانش آموزان دورهٔ متوسطه شهر اصفهان بودند که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ حداقل یکی از فرزندان آنها در دورهٔ متوسطه مشغول به تحصیل بودند، تجربه طلاق نداشتند، هر دو والد در قید حیات بودند و با نوجوان در زیر یک سقف زندگی می‌کردند، در شش ماهه اول سال تحصیلی جاری، حداقل یک بار برای دریافت خدمات راهنمایی و مشاوره به مراکز مشاوره آموزش و پرورش و واحد مشاوره مدارس مراجعه کرده بودند، شکایت و نارضایتی از روابط با نوجوان داشتند و در پرسشنامه تعارضات والد – نوجوان محقق ساخته (نسخه والد)، نمره بالاتر از میانگین کسب کرده بودند. دلیل در نظر گرفتن معیارهای ذکر شده این بود که والدین، پدیده تعارض را در فرایند زندگی تجربه کرده باشند و بتوانند تجارب خود را در زمینه موضوع مورد مطالعه به خوبی بیان کنند.

مشارکت‌کنندگان و شیوه انتخاب آنها: تعداد مناسب مشارکت‌کنندگان در پژوهشهای کیفی، تعداد درست یعنی تعداد «کافی» و مصاحبه کافی به گونه‌ای است که مصاحبه‌کننده احساس کند هر چیزی که لازم بوده از مصاحبه آموخته است (جانسون، ۲۰۰۲؛ به نقل از هومن، ۱۳۹۰)، یعنی تا زمانی که هیچ داده جدید یا مرتبط به یک مقوله به دست نیاید. اغلب صاحب‌نظران، تعداد افراد نمونه مطلوب برای رسیدن به اشباع نظری را میان ۲۰ تا ۳۰ نفر می‌دانند (کرسول، ۲۰۱۳؛ شارمز[1]، ۲۰۱۴؛ هسه و شرلین، ۲۰۱۶، ترجمه کیامنش، ۱۳۹۶). در این پژوهش از نمونه متجانس و همگون[2] و از روش نمونه‌گیری نظری، هدفمند و داوطلبانه استفاده شد. تعداد منابع مورد مطالعه به ۱۴ زوج رسید، یعنی پس از مصاحبه با ۲۸ والد، اشباع نظری حاصل شد؛ به بیان دیگر داده جدیدی حاصل نشد.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ آمده است، مشارکت کنندگان ۱۴ مادر در بازه سنی ۳۶ تا ۵۸ سال و ۱۴ پدر در بازه سنی ۳۷ تا ۷۱ سال هستند که تحصیلات آنها از ابتدایی تا فوق‌لیسانس، متغیر است، تعداد فرزندان ۱ تا ۳ فرزند، مدت زمان ازدواج آنها ۱۵ تا ۳۶ سال است که حدود ۶۴ درصد، از نظر اقتصاد خانواده متوسط و ضعیف و وضعیت مسکن آنها استیجاری است. سایر اطلاعات در جدول ۱ نشان داده شده است.

1. Charmaz
2. Homogeneous

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

کد مصاحبه	جنسیت	سن	تحصیلات	رشته تحصیلی	شغل	تعداد فرزندان	مدت ازدواج	اقتصاد خانواده	وضعیت مسکن
p.1[1]	مرد	۴۳	لیسانس	علوم اجتماعی	آزاد	۲	۲۲سال	ضعیف	شخصی
	زن	۳۹	دیپلم	علوم انسانی	خانه‌دار				
p.2	مرد	۴۷	دیپلم	علوم ریاضی	آزاد	۳	۱۸سال	متوسط	استیجاری
	زن	۴۵	دیپلم	کاردانش	خانه‌دار				
p.3	مرد	۳۷	سیکل	–	مکانیک	۱	۱۵سال	متوسط	استیجاری
	زن	۳۶	دیپلم	علوم انسانی	خانه‌دار				
p.4	مرد	۵۴	لیسانس	علوم تربیتی	آزاد	۳	۲۹سال	خوب	استیجاری
	زن	۴۸	سیکل	–	خانه‌دار				
p.5	مرد	۶۳	لیسانس	برق	کارمند	۳	۲۲سال	متوسط	شخصی
	زن	۴۲	لیسانس	معارف اسلامی	خانه‌دار				
p.6	مرد	۵۷	لیسانس	ادبیات فارسی	دبیر	۲	۲۹سال	متوسط	خانه پدری
	زن	۵۶	لیسانس	زبان انگلیسی	دبیر				
p.7	مرد	۷۱	سیکل	–	کارمند	۳	۳۶سال	خوب	استیجاری
	زن	۵۸	ابتدایی	–	خانه‌دار				
p.8	مرد	۴۹	لیسانس	برق	کارمند	۱	۲۱سال	ضعیف	استیجاری
	زن	۴۷	دیپلم	فنی و حرفه ای	خانه‌دار				
p.9	مرد	۴۵	فوق لیسانس	ادبیات فارسی	دبیر	۲	۲۰سال	ضعیف	شخصی
	زن	۴۳	دیپلم	علوم انسانی	خانه‌دار				
p.10	مرد	۵۵	سیکل	–	آزاد	۱	۳۲سال	ضعیف	شخصی
	زن	۵۴	سیکل	–	خانه‌دار				
p.11	مرد	۶۴	ابتدایی	–	کارگر	۲	۲۶سال	ضعیف	استیجاری
	زن	۵۷	سیکل	–	خانه‌دار				
p.12	مرد	۴۹	ابتدایی	–	آزاد	۲	۱۹سال	خوب	استیجاری
	زن	۴۶	لیسانس	تاریخ	خانه‌دار				
p.13	مرد	۴۴	فوق لیسانس	علوم تربیتی	دبیر	۳	۲۱سال	متوسط	استیجاری
	زن	۳۶	دیپلم	علوم تجربی	خانه‌دار				
p.14	مرد	۴۰	لیسانس	روانشناسی	کارمند	۳	۱۷سال	خوب	خانه پدری
	زن	۳۳	دیپلم	علوم تجربی	خانه‌دار				

1. Parent

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

روش اجرا و تحلیل داده‌ها: به‌منظور بررسی تجارب زنده، شناخت معنا و مفهوم عوامل زمینه‌ساز تعارضات والد- نوجوان و تدوین نظریه بر مبنای تجارب و دانش ضمنی والدین، ابتدا با هدف تعیین مفاهیم و سؤالات مورد بررسی، سه مصاحبه بدون ساختار، انجام و تحلیل شد، سپس جلسات مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق انجام شد. شیوه اجرای مصاحبه، به این صورت بود که پس از بیان مقدمه ای کوتاه (سپاسگزاری از پذیرش دعوت شرکت در مصاحبه، معرفی خود و موضوع، بیان اهداف پژوهش و اهمیت نظرات مشارکت‌کننده در تحقق بخشیدن به اهداف پژوهش، توجه به اصل محرمانه بودن اطلاعات و کسب اجازه برای ضبط جلسه)، مصاحبه شروع و در فرایند مصاحبه با استفاده از مهارتهای گوش دادن فعال، انعکاس محتوا و احساس، خلاصه کردن و سؤالات باز- پاسخ، مشارکت کننده به شرکت فعال در مصاحبه تشویق شد و سعی بر داشتن جلسه پرمحتوا بود (سؤالات مصاحبه بر فهم این موضوع تمرکز داشتند که مشارکت‌کنندگان فرایند تعارض با نوجوان را چگونه تجربه کرده اند). مدت زمان هر مصاحبه ۵۰ تا ۸۰ دقیقه بود. مصاحبه در واحد مشاوره مدارس که محیطی امن و آرام بود، انجام شد و پس از هر مصاحبه، مصاحبه روی کاغذ پیاده‌سازی شد و با استفاده از کدگذاری باز[1]، محوری[2] و گزینشی[3] مورد تحلیل قرار گرفت. فرایند مصاحبه و تحلیل داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. مسیر تکاملی نظریه در شکل شماره ۱ آمده است.



شکل ۱: مسیر تکاملی نظریه در استراتژی مفهوم‌سازی داده بنیاد (دانایی فرد، ۱۳۸۴)

اعتبارسنجی: بررسی روایی کیفی یعنی سنجش این موضوع که آیا اطلاعات به دست آمده از طریق گردآوری داده‌های کیفی دقیق است یا خیر. کرسول (۲۰۱۳) معتقد است که پژوهشگران کیفی در مطالعات خود، باید حداقل دو روش از روشهای افزایش روایی استفاده کنند. در فرایند انجام دادن پژوهش، به منظور اعتبارسنجی داده‌ها، از روشهای زیر استفاده شد:

۱) بازبینی اعضا یا بازخورد مطلعان[4]: روش بازبینی اعضا، حساس‌ترین روش برای ایجاد اعتبار (لینکلن و گوبا[5]، ۱۹۸۵) و مؤثرترین روش برای از بین بردن احتمال خطا در تفسیر نظرات

1. Open coding
2. Axial coding
3. Selective coding
4 . Member checking or informant feedback
5. Lincoln & Guba

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

مشارکت‌کنندگان است (مکسول، ۱۹۹۶). از این رو در پایان هر مرحلهٔ کدگذاری، مفاهیم و مقوله‌های حاصل با مشارکت‌کنندگان مورد بررسی قرار گرفتند، ۲) درگیری طولانی مدت با موضوع پژوهش: دقت و توجه به اصول علمی در فرایند اجرا و کدگذاری، در بازه زمانی مناسب (حدود بیست ماه)، ۳) نظارت متخصصان یا مرور خبرگان: در فرایند انجام دادن پژوهش، متن مصاحبه‌ها و جداول کدگذاری و مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده در اختیار اساتید و کارشناسان فعال در حوزه پژوهش کیفی گذاشته شد و فرایند کدگذاری با نظارت آنها انجام شد، ۴) نمونه‌گیری نظری: پس از انجام دادن هر مصاحبه و تحلیل نتایج حاصل از آن و تعیین مفاهیم و مقوله‌ها، مصاحبه با مشارکت‌کننده بعدی، براساس مفاهیم به دست آمده از مصاحبه قبلی انجام شد و این فرایند تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت، ۵) روابط ساختاری و مقایسه داده‌ها (همسوسازی با ادبیات پژوهش): استفاده از چندین منبع و مقایسه داده‌ها در فرایند انجام دادن پژوهش، اصلی مهم است که باید مورد توجه قرار گیرد. پژوهشگرانی که از راهبرد نظریه داده بنیاد استفاده می‌کنند، پس از تعیین مقوله محوری و مشخص کردن ویژگیها و مقوله‌های مرتبط با آن، از ادبیات موجود به منزلهٔ یک منبع داده، بهره می‌گیرند و آن را در فرایند مقایسه مداوم، یکپارچه کرده تا مفاهیم به صورت غنی بسط و توسعه یابند (گلیزر[1]، ۲۰۰۳، به نقل از اونوگبزی و لیچ[2]، ۲۰۰۷). بنابراین در فرایند انجام دادن پژوهش، با مبنا قرار دادن نظرات مشارکت‌کنندگان از ادبیات موضوع به طور مکرر برای مقایسه داده‌های به دست آمده استفاده شد، ۶) توصیف پرمحتوا و غنی[3]: از جمله روشهای اعتباریابی داده‌ها، جمع آوری داده‌های غنی و پرمحتواست که به داده‌هایی اشاره دارد که با جزئیات کافی به دست آمده اند. دستیابی به این هدف مستلزم آن است که مصاحبه‌ها ضبط و به‌طور دقیق پیاده‌سازی شوند (اونوگبزی و لیچ، ۲۰۰۷). از آنجا که همهٔ مصاحبه‌ها ضبط و پیاده‌سازی شدند، بنابراین این امر نیز سبب بهبود اعتبار داده‌ها شده است.

یافته‌های پژوهش

سؤال۱: عوامل زمینه‌ساز تعارضات والد–نوجوان کدام اند؟

برای یافتن پاسخ این سؤال، در فرایند انجام دادن پژوهش، مصاحبه‌ها، ضبط و پیاده‌سازی و به صورت سطر به سطر بررسی شدند و طی فرایند پنج مرحله ای کدگذاری باز انجام شد؛ به این صورت که ابتدا هر مصاحبه به واحدهای کوچک‌تر تجزیه شد و هر جزء یک کد اولیه نام گرفت

1. Glaser
2. Onwuegbuzie & Leech
3. Rich and thick description

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

(در بیشتر موارد ابتدای تحلیل، از کدهای زنده استفاده شد تا کدها، به تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان نزدیک باشد). با بررسی کدهای اولیه، مشخص شد که برخی از این کدها به موضوعهای مشترکی اشاره دارند و می‌توانند برچسب مشترکی دریافت کنند، سپس اجزایی از مصاحبه‌ها که بار معنایی مشترکی داشتند، در کنار یکدیگر قرار گرفتند و یک کد ثانویه را تشکیل دادند. در مرحله بعد، براساس شباهتها و روابط مفهومی میان کدهای ثانویه، مفاهیم استخراج شدند و در فرایند مقایسه، مفاهیم در چارچوب مقوله‌های فرعی و در نهایت مقوله‌های فرعی در دسته‌های بزرگ‌تر از طبقات و مقولات قرار گرفتند. نتایج فرایند کدگذاری باز، منجر به شناسایی ۹۲۵ کد اولیه، ۳۷۷ کد ثانویه، ۷۸ مفهوم، ۱۸مقوله و ۴ عامل اصلی(عوامل مربوط به نوجوان، والدین، خانواده و جامعه) شد. داده‌های حاصل در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲: عوامل زمینه‌ساز تعارضات والد-نوجوان

طبقه‌ها	مقوله‌ها	مفاهیم
عوامل مربوط به نوجوان	بلوغ	ویژگیهای رفتاری دوران بلوغ- ویژگیهای شناختی دوران بلوغ- ویژگیهای عاطفی و هیجانی دوران بلوغ-تغییرات فیزیولوژی دوران بلوغ
	مشکلات تحصیلی و تربیتی	سبک زندگی دانش آموزی ناکارآمد- مهارتهای تحصیلی ناکارآمد- وضعیت تحصیلی و تربیتی ضعیف
	مهارتهای زندگی ناکارآمد	راهبردهای ارتباطی ناکارآمد- مهارتهای حل مسئله و حل تعارض ناکارآمد- مهارتهای تصمیم‌گیری ناکارآمد- مهارتهای کنترل خشم ناکارآمد
	ناآگاهی نوجوان	عدم آگاهی از اصول بهداشت جسمانی و روانی- عدم آگاهی از ویژگیهای دوران بلوغ- عدم آگاهی از آداب و ارزشهای فرهنگی- عدم آگاهی از قوانین و مقررات
	تجارب ناخوشایند گذشته	تجارب ناخوشایند دوران کودکی- سبک دلبستگی
	مشکلات روانشناختی	مشکلات رفتاری- مشکلات شناختی- مشکلات عاطفی و هیجانی
عوامل مربوط به والدین	سبکهای فرزند پروری ناکارآمد	سبک والدگری مستبدانه- سبک والدگری سهل‌گیرانه- سبک والدگری طردکننده- سبک والدگری بی تفاوت
	ویژگیهای شخصیتی	ویژگیهای رفتاری- ویژگیهای شناختی- ویژگیهای عاطفی و هیجانی
	مهارتهای زندگی ناکارآمد	راهبردهای ارتباطی ناکارآمد- راهبردهای حل مسئله و حل تعارض ناکارآمد- راهبردهای کنترل خشم ناکارآمد- راهبردهای تصمیم‌گیری ناکارآمد
	ناآگاهی والدین	عدم آگاهی از فرایند رشد و ویژگیهای هر دوره- عدم آگاهی از اصول تعلیم و تربیت- عدم آگاهی از فرایند رشد و نیازهای هر دوره
	ویژگیهای جمعیت شناختی	سن- تحصیلات- پایگاه اجتماعی- پایگاه دینی و معنوی- شغل- خانواده اصلی
	تعارضات زناشویی	عدم صمیمیت- عدم هماهنگی- عدم همکاری- عدم انعطاف‌پذیری- افکار و باورهای غیرمنطقی- نارضایتی زناشویی- عدم احترام به یکدیگر
	مشکلات روانشناختی	مشکلات رفتاری- مشکلات شناختی- مشکلات عاطفی و هیجانی

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

طبقه‌ها	مقوله‌ها	مفاهیم
عوامل مربوط به خانواده	سطح پایین کیفیت زندگی خانواده	کیفیت پایین زندگی فیزیکی- کیفیت پایین زندگی اجتماعی- کیفیت پایین زندگی اقتصادی- کیفیت پایین زندگی معنوی- کیفیت پایین زندگی روان شناختی- کیفیت پایین زندگی بهداشتی
	عملکرد ناقص خانواده	اختلال در نقشهای خانوادگی- اختلال در زیرسیستمها- اختلال در ساختار قدرت- اختلال در روابط- اختلال در ابراز هیجانات و عواطف- اختلال در فرایند حل مسئله
عوامل مربوط به جامعه	عوامل استرس‌زای محیطی	مسائل ناشی از رویدادهای اقتصادی- مسائل ناشی از رویدادهای فرهنگی- مسائل ناشی از رویدادهای سیاسی- مسائل ناشی از رویدادهای اجتماعی- مسائل ناشی از تغییرات نظام آموزشی- مسائل ناشی از رویدادهای عاطفی- مسائل ناشی از رویدادهای دینی و مذهبی
	گروه دوستان	دوستان مشکل‌دار- مشکلات ارتباطی با دوستان
	فناوری	اینترنت- فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی- گوشی تلفن همراه- ماهواره- تلویزیون- لپ‌تاپ و رایانه

سؤال۲: آیا داده‌های حاصل، در قالب یک مدل مفهومی قابل تبیین است؟

برای یافتن پاسخ این سؤال، پس از طی فرایند کدگذاری باز، برمبنای کدگذاری محوری و گزینشی، مدل مفهومی و خط اصلی داستان تهیه و تبیین شد. بنابراین مقوله‌های به‌دست آمده از کدگذاری باز، در قالب شش دسته از عوامل (مقوله محوری، شرایط علی، راهبردها، شرایط مداخله‌ای، شرایط زمینه ای و پیامدها)، طبقه‌بندی و به یکدیگر مرتبط شدند و مدل پارادایمی حول محور مقوله سبک فرزندپروری ناکارآمد والدین، به‌دست آمد.

مقوله محوری: ساده‌ترین و بهترین روش برای شناسایی مقوله محوری یک مطالعه، این است که از خود بپرسیم اینجا چه چیزی دارد اتفاق می افتد، یا جریان چیه؟ (اشتراوس[1]، ۱۹۸۷). از آنجا که سبک فرزند پروری ناکارآمد والدین (سبک فرزندپروری مستبد، سهل‌گیر، طردکننده و بی‌تفاوت)، در بیشتر مصاحبه‌ها تکرار شده بود و بیشترین ارتباط را با سایر مقوله‌ها داشت، به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شد و در مرکز فرایند کدگذاری محوری قرار گرفت. مشارکت کننده P4 می‌گوید: «همه ما از برخورد و رفتارهای این مرد می‌ترسیم. کسی جرأت حرف زدن را نداره. هرچه او بگه، باید انجام بدیم، این خیلی بده، ما هم انسانیم، نه می‌تونیم جایی بریم، شاید یکی از دلایل رفتار دخترم...»

شرایط علّی: عواملی که به‌طور مستقیم بر پدیده محوری، تأثیر می‌گذارند (کرسول، ۲۰۱۳). در پاسخ به این سؤال که شرایط علّی تعارضات کدام اند؟ نتایج نشان داد که ویژگیهای شخصیتی،

1. Strauss

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

جمعیت شناختی، ناآگاهی و تعارضات زناشویی والدین، عواملی اند که بر سبک فرزندپروری آنها و در نتیجه تعارضات تأثیر می‌گذارند.

۱. ویژگیهای شخصیتی والدین: ویژگیهای رفتاری، شناختی، عاطفی و هیجانی والدین، نقشی مؤثر بر سبک فرزندپروری والدین دارد. مشارکت کننده P9 می‌گوید: «این آقا در مجالس و مهمانیها اصلاً به خودش توجه نمی‌کنه، همیشه میگه من همین طور راحتم، مگه من و بچه‌ها به مناسبتهای مختلف برایش چیزی بخریم ولی میگه لازم نبوده».

۲. ویژگیهای جمعیت‌شناختی والدین: سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی، پایگاه دینی و مذهبی و وضعیت سلامت جسمانی و روانشناختی والدین، شغل و تأثیرات خانواده اصلی نقشی مؤثر بر مهارتهای والدگری و در نتیجه ایجاد تعارض میان والدین و نوجوانان دارد. مشارکت‌کننده P11 می‌گوید: «من فکر می‌کنم این مرد، پدربزرگ پسرمه. چرا که ۴۷ سال اختلاف سنی دارند و اصلاً پسرش را درک نمی‌کنه و این موجب شده که از او فاصله بگیره، اصلاً رابطه ای با هم ندارند».

۳. تعارضات زناشویی: عدم صمیمیت، عدم هماهنگی، عدم همکاری، عدم انعطاف‌پذیری، افکار و باورهای غیرمنطقی، نارضایتی زناشویی و عدم احترام به یکدیگر، بر مهارتهای والدگری والدین تأثیر می‌گذارد و موجب ایجاد تعارض میان والدین و نوجوان می‌شود. مشارکت کننده P7 می‌گوید: «من فکر می‌کنم آنچه موجب مشکل ما و نوجونمون است، خودمون هستیم، از روزی که بچه به دنیا اومد، همیشه با هم مشکل داشتیم، یک روز خوش نداشتیم».

۴. ناآگاهی والدین: ناآگاهی والدین از فرایند رشد و ویژگیهای هر دوره، اصول تعلیم و فرایند رشد و تعارضهای هر دوره، بر سبک فرزندپروری تأثیر دارد. مشارکت کننده P14 می‌گوید: «ما باید متناسب با شرایط سنی بچه‌ها با اونا رفتار کنیم. وقتی ما نمی‌دونیم اونا چی می‌خوان، نیازهاشون چی است، چیکار می‌تونیم انجام بدیم".

راهبردها: کوربین[1] و اشتراوس (۲۰۰۸)، راهبردها را پاسخها یا واکنشهایی می‌دانند که افراد یا گروهها در مواجهه با موقعیتها، مسائل و اتفاقات و رویدادها نشان می‌دهند، لذا در پاسخ به این سؤال که والدین و نوجوانان از چه راهبردهایی استفاده می‌کنند؟ نتایج نشان که آنها از راهبردهای ارتباطی، حل مسئله، حل تعارض، کنترل خشم و تصمیم‌گیری ناکارآمد استفاده می‌کنند. مشارکت‌کننده P5 می‌گوید: «این بچه حرف زدن بلد نیست، همیشه با تندی و با الفاظ بد صحبت می‌کنه».

1. Corbin

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

شرایط زمینه ای: سپس این سؤال مطرح شد که راهبردهای مورد استفاده والدین و نوجوانان، تحت تأثیر کدام شرایط خاص، قرار دارند؟ شرایط زمینه ای، موقعیتهای خاص و ویژه ای هستند که راهبردها و اعمال یا تعاملات را تحت تأثیر قرار می‌دهند(کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸؛ کرسول،۲۰۱۳). نتایج نشان داد که راهبردها، تحت تأثیر سطح پایین کیفیت زندگی خانواده، عملکرد ناقص خانواده، بلوغ، تجارب ناخوشایند گذشته و ناآگاهی نوجوان قرار دارند و این شرایط، بستر مناسبی برای ایجاد تعارضات فراهم می‌سازد.

۱. سطح پایین کیفیت زندگی خانواده: سطح پایین کیفیت زندگی فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، معنوی، روانشناختی و بهداشتی بر راهبردها و در نتیجه ایجاد تعارضات تأثیر گذارند. مشارکت‌کننده P1 می‌گوید: «شرایط فیزیکی خونه مناسب نیست، ما مستاجریم و با هزینه‌های بالای زندگی، نمی تونیم اون چیزی که ایشون می‌خواد تهیه کنیم، همیشه می‌ناله».

۲. عملکرد ناقص خانواده: اختلال در نقشهای خانوادگی، زیرسیستمها، ساختار قدرت، روابط، ابراز هیجانات و عواطف و فرایند حل مسئله، تأثیری اساسی بر راهبردها و درنتیجه ایجاد تعارضات می‌گذارد. مشارکت کننده P5 می‌گوید: «باباش آدم مسئولیت‌پذیری نیست، در وظایف خود کوتاهی، ولی در برخورد با ما خیلی سخت برخورد می‌کنه، شرایط ما مشخص نیست».

۳. بلوغ: ویژگیهای رفتاری، شناختی، عاطفی و هیجانی و تغییرات فیزیولوژیکی، بستری مناسب برای ایجاد تعارضات است. مشارکت‌کننده P10 می‌گوید: «این بچه اصلاً به فکر خودش نیست. می‌دونه ما دوستش داریم، ولی همش خودش می‌خواد بدون سؤال و مشورت کاری انجام بده».

۴. ناآگاهی نوجوان: ناآگاهی نوجوان از اصول بهداشت جسمانی و روانی، ویژگیهای دوران بلوغ، آداب، رسوم و ارزشهای فرهنگی، قوانین و مقررات در موقعیتهای مختلف زندگی، تأثیری اساسی بر راهبردها و ایجاد تعارضات می‌گذارد. مشارکت‌کننده P4 می‌گوید: «وقتی من سیگار تو جیبش دیدم و می‌بینم سیگار می‌کشه، چکار باید بکنم؟ نگم که بده، بگم که ناراحت میشه، این بچه نمی‌دونه چکار می‌کنه».

۵. تجارب ناخوشایند گذشته: تجارب ناخوشایند دوران کودکی و سبک دلبستگی نوجوان، نقش مؤثر در راهبردهای مورد استفاده و در نتیجه تعارضات دارد. مشارکت کننده P12 می‌گوید: «من فکر می‌کنم با توجه به شرایط کاریمان، این بچه در مهدکودک آسیب دید».

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

شرایط مداخله‌گر: راهبردها از عواملی عمومی‌تر تأثیر می‌پذیرند که نقش مداخله ای دارند. نتایج نشان دادکه عوامل استرس‌زای محیطی، گروه دوستان و فناوری می‌توانند تسهیل‌کننده راهبردها باشند.

۱. عوامل استرس‌زای محیطی: استرسهای ناشی از رویدادهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تغییرات نظام آموزشی و رویدادهای عاطفی و دینی، بر راهبردها و در نتیجه ایجاد تعارضات تأثیرگذارند. مشارکت‌کننده P6 می‌گوید: «انتظارات نوجوانان در عصر حاضر و مشکلات اقتصادی موجب شده که همیشه تو خونه ما درگیری باشه، شغل آقا به‌گونه ای است که درآمد مشخصی نداریم و هزینه‌های کلاس درسی و غیر درسی هم که هر روز تغییر می‌کنه و این زندگی ما را با چالش مواجه کرده».

۲. گروه دوستان: دوستان مشکل‌دار و مشکلات ارتباطی با دوستان، بر راهبردها و درنتیجه ایجاد تعارضات تأثیرگذارند. مشارکت‌کننده P4 می‌گوید: «دوست نقش مهمی داره، این بچه با افرادی می‌گرده که ازش بزرگترند و اصلاً به ما نمی‌خورند».

۳. فناوری: نوع، میزان و چگونگی استفاده از اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، گوشی تلفن همراه و تبلت، ماهواره، تلویزیون و لپ‌تاپ و رایانه، تأثیری اساسی بر راهبردها و نتیجه تعارضات می‌گذارد. مشارکت‌کننده P8 می‌گوید: «ما تو خونه وای فای داریم و همیشه روشن است، اصلاً نمی‌تونیم خاموشش کنیم، چرا که برنامه خاصی برای استفاده از اون نیست».

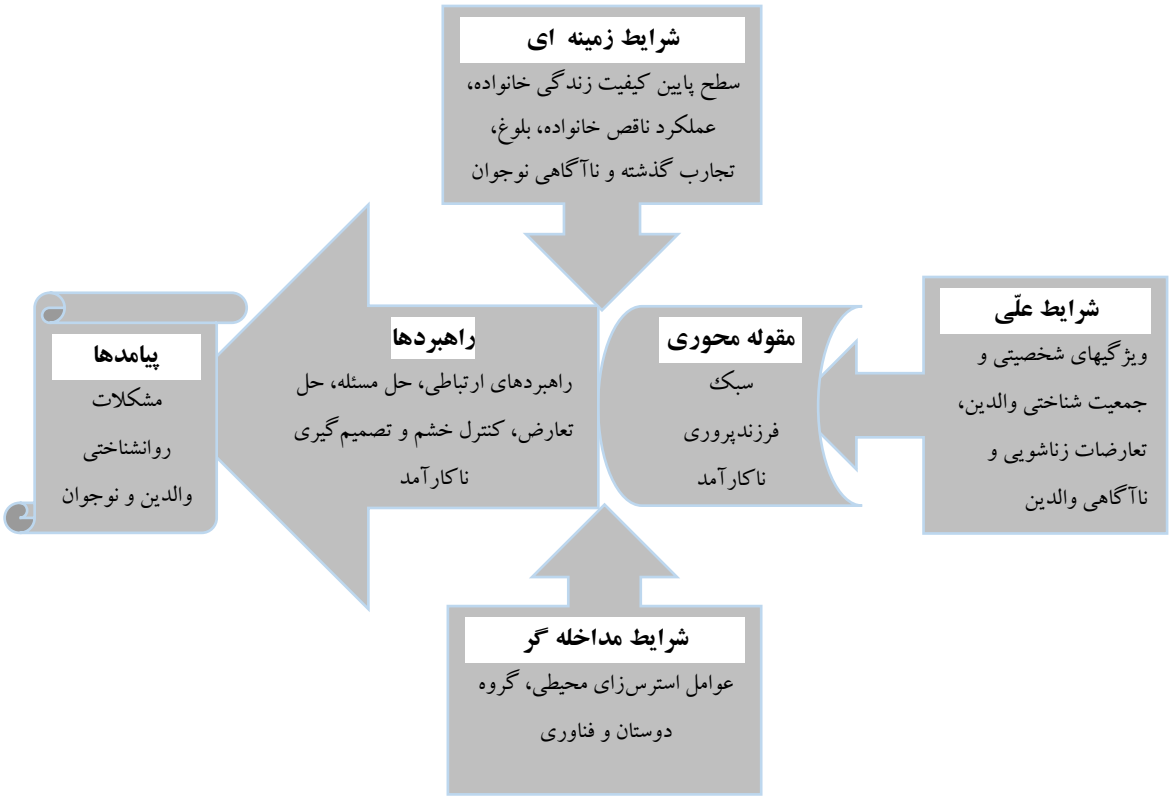
پیامدها: کرسول (۲۰۱۳)، پیامدها را نتایج حاصل از راهبردها می‌داند. بررسی مدل پارادایمی نشان می‌دهد که استفاده از راهبردهای ارتباطی، حل مسئله، حل تعارض، کنترل خشم و تصمیم‌گیری ناکارآمد در این مرحله از چرخه زندگی خانواده از جانب والدین و نوجوان موجب ایجاد مشکلات روانشناختی (مشکلات رفتاری، عاطفی و هیجانی و شناختی) در نوجوانان و والدین و در نتیجه ایجاد تعارض میان والدین و نوجوانان می‌شود. مشارکت‌کننده P7 می‌گوید: «هر چند ما تلاش خودمون را انجام می‌دهیم ولی فکر کنم، اون احساس می‌کنه که دوسش نداریم، یا ما داریم تبعیض قائل می‌شیم».

بعد از اینکه مقوله محوری، شرایط علّی، راهبردهای کنش و کنش متقابل، شرایط مداخله‌گر و زمینه ای و پیامدها تعیین شد، در کدگذاری گزینشی، نوبت به معنادار کردن روابط میان مفاهیم است. این مهم از مصاحبه اول مدنظر قرار گرفت و خط اصلی داستان مشخص و توضیح داده شد و مقوله‌های به‌دست آمده به همدیگر مرتبط شدند. همانطور که شکل ۱ نشان میدهد، مقوله

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

محوری مدل پارادایمی، سبک فرزندپروری ناکارآمد والدین است که تحت تأثیر شرایط علّی (ویژگیهای شخصیتی، ویژگیهای جمعیت‌شناختی، تعارضات زناشویی و عدم علم و آگاهی والدین) قرار دارد و در کنار شرایط مداخله‌گر (عوامل استرس‌زای محیطی، گروه دوستان و فناوری) و شرایط زمینه‌ساز (سطح پایین کیفیت زندگی خانواده، عملکرد ناقص خانواده، بلوغ، تجارب ناخوشایند گذشته و عدم علم و آگاهی نوجوان) بر راهبردهای والدین و نوجوانان (راهبردهای ارتباطی، حل مسئله، حل تعارض، کنترل خشم و تصمیم‌گیری) تأثیر می‌گذارد که حاصل آن ایجاد مشکلات روانشناختی برای والدین و نوجوانان است.



شکل ۱: مدل پارادایمی عوامل زمینه‌ساز تعارضات والد – نوجوان با محوریت سبک فرزندپروری ناکارآمد

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج کدگذاری باز داده‌های حاصل از پژوهش، نشان داد که عوامل زمینه‌ساز تعارضات والد–نوجوان را می‌توان در چهار گروه اصلی (عوامل مربوط به نوجوان، والدین، خانواده و جامعه)، قرار داد. همچنین نتایج کدگذاری محوری و گزینشی، نشان داد که سبک فرزندپروری ناکارآمد والدین، مهم‌ترین مقوله است که شامل چهار مفهوم سبک فرزندپروری مستبدانه، سهل‌گیرانه، طردکننده و بی‌تفاوت می‌شود و بیانگر نگرشهایی است که والدین نسبت به فرزندان خود دارند، معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند و روشهایی است که برای تربیت فرزندان خود به‌کار می‌گیرند. این نتایج با نتایج بررسی ادبیات نظری که نشان می‌دهد، داشتن فرزندانی شاد، سالم و مولد، حاصل والدگری مؤثر است (اسدی، ۱۳۹۴) و خانواده و شیوه فرزندپروری از مهم‌ترین عوامل رشد روانی – اجتماعی فرزندان است (گالارین و آلونسو آربیول، ۲۰۱۲) و همچنین با نتایج پژوهشهای نوروزی اصفهانی (۱۳۹۳)، پوربافرانی (۱۳۹۲)، برکین و همکاران (۲۰۱۲)، آشبورن (۲۰۰۹) و دویل و مارکیویچ (۲۰۰۹)، همخوانی دارد. والدینی که محور روابط و برخوردشان بر اساس قدرت، خشونت، خود- محوری و پرهیز از مشورت با اعضای خانواده است یا به تمایلات و خواسته‌های فرزندان، بیش از اندازه اهمیت می‌دهند، نظارتشان ضعیف، روابطشان سرد و بی روح، انتظاراتشان خارج از توان نوجوان و نسبت به او بی‌تفاوت و او را طرد کرده اند، فضای زندگی را آلوده و غیر قابل تحمل می‌کنند. این گروه از والدین با تعیین و تحمیل برنامه فشرده روزانه، اصرار و پافشاری بر دیدگاه خود، کنترل و مراقبت بیش از حد، دخالت زیاد در مسائل شخصی، تحمیل عقاید، خشونت کلامی و فیزیکی، محدودیتهای زیاد، تصمیم‌گیریهای بدون مشورت، مقایسه کردن، تحقیر و سرزنش، انتقادات زیاد، بزرگنمایی مسائل، دستوردادن، مدیریت مالی سخت‌گیرانه، ممانعت از فعالیتهای گوناگون به دلیل پیشرفت درسی، ترس و دلهره، تعیین شرایط سخت در انجام دادن فعالیتها، محبت کم، قوانین زیاد خانه، بی‌تفاوتی، عدم ثبات در اجرای قوانین و مقررات، شرایط را سخت و بر راهبردهای والدین و نوجوانان و در نتیجه ایجاد تعارض مؤثرند. بنابراین می‌توان چنین بیان کرد که والدین و روشهای تربیتی آنها بیشترین نقش را در ایجاد مشکلات، به ویژه تعارض میان آنها و نوجوانشان دارد.

هر خانواده روشی خاص در تعلیم و تربیت فرزندان خود دارد که متأثر از عوامل گوناگون است. ویژگیهای شخصیتی (ویژگیهای رفتاری، شناختی، عاطفی و هیجانی)، ویژگیهای جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی، پایگاه دینی و مذهبی و وضعیت سلامت

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

جسمانی و روانشناختی والدین، شغل و تأثیرات خانواده اصلی)، تعارضات زناشویی (عدم صمیمیت، عدم هماهنگی، عدم همکاری، عدم انعطاف‌پذیری، افکار و باورهای غیر منطقی، نارضایتی زناشویی و عدم احترام به یکدیگر) و ناآگاهی والدین (ناآگاهی از فرایند رشد و ویژگیهای هر دوره، اصول تعلیم و تربیت و فرایند رشد و تعارضهای هر دوره)، از شرایط علی و اثرگذار بر سبک فرزندپروری والدین است که در کنار شرایط مداخله‌گر و زمینه ای بر راهبردهای والدین و نوجوانان و در نتیجه ایجاد تعارض میان آنها نقش دارد. این نتایج با نتایج پژوهشهای برانج و همکاران (۲۰۰۹) و نوری (۱۳۸۹)، در زمینه نقش ویژگیهای شخصیتی؛ انیسی و همکاران (۱۳۸۶)، پوربافرانی (۱۳۹۲)، در زمینه نقش ویژگیهای جمعیت‌شناختی؛ پوربافرانی و همکاران (۱۳۹۴)، نوروزی اصفهانی (۱۳۹۳)، پوربافرانی (۱۳۹۲)، خواجه‌نوری و هاشمی‌نیا (۱۳۹۰)، نوری (۱۳۸۹)، قره‌باغی (۱۳۸۹)، استاتزمن و همکاران (۲۰۱۱)، دویل و مارکیویچ (۲۰۰۵)، در زمینه نقش تعارضات زناشویی و پوربافرانی (۱۳۹۲)، در زمینه ناآگاهی والدین، همسو است؛ چرا که عواطف، شناخت و رفتار والدین همچنین سن، شغل، تحصیلات و میزان آگاهی، میزان رضایت از زندگی و سلامت روانی و رفتاری آنها بر مهارتهای والدگری تأثیر می‌گذارند و نقش بسیار مهم در ایجاد تعارض دارند.

افزون بر مهارتهای والدگری ناکارآمد که تحت تأثیر شرایط علّی بر راهبردها تأثیر دارد، عوامل دیگری نیز بر راهبردهای والدین و نوجوان در فرایند زندگی مؤثر است. عوامل استرس‌زای محیطی (استرسهای ناشی از رویدادهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، عاطفی، دینی و تغییرات نظام آموزشی)، گروه دوستان (دوستان مشکل‌دار و مشکلات ارتباطی با دوستان) و فناوری (اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، گوشی تلفن همراه و تبلت، ماهواره، تلویزیون و لپ‌تاپ و رایانه)، از عوامل مداخله‌گر مهم و تأثیرگذار بر راهبردهای مورد استفاده والدین و نوجوانان در برخورد با مسائل زندگی هستند. این نتایج با نتایج پژوهشهای نوروزی اصفهانی (۱۳۹۳)، معیدفر و صبوری خسروشاهی (۱۳۹۰)، سامک و همکاران (۲۰۱۶)، شاه و همکاران (۲۰۱۶)، در زمینه نقش عوامل استرس زا، پوربافرانی (۱۳۹۲) در زمینه گروه دوستان و معیدفر و صبوری خسروشاهی (۱۳۹۰) و شاه و همکاران (۲۰۱۶)، در زمینه فناوری، همخوانی دارد. یعنی در فرایند زندگی عوامل استرس‌زای محیطی، گروه دوستان و فناوری در راهبردهای والدین و نوجوانان مداخله می‌کنند و موجب ایجاد تعارض می‌شوند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

افزون بر شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه ای بسیاری بر راهبردها تأثیر گذاشته و موجب استفاده از راهبردهای ناکارآمد در فرایند زندگی از جانب والدین و نوجوانان و در نتیجه تعارض میان آنها شده است. نتایج بررسی و تحلیل داده‌ها نشان داد که سطح پایین کیفیت زندگی خانواده (سطح پایین کیفیت زندگی فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، معنوی، روانشناختی، بهداشتی)، عملکرد ناقص خانواده (اختلال در نقشهای خانوادگی، زیرسیستمها، ساختار قدرت، روابط، ابراز هیجانات و عواطف و فرایند حل مسئله)، بلوغ (ویژگیهای رفتاری، شناختی، عاطفی و هیجانی و تغییرات فیزیولوژیکی)، تجارب گذشته نوجوان (تجارب ناخوشایند دوران کودکی و سبک دلبستگی) و همچنین ناآگاهی نوجوان (ناآگاهی از اصول بهداشت جسمانی و روانی، ویژگیهای دوران بلوغ، آداب، رسوم و ارزشهای فرهنگی، قوانین و مقررات)، نقشی بسیار مهم در راهبردهای مورد استفاده و در نتیجه ایجاد تعارض میان والدین و نوجوان دارد. این نتایج با نتایج پژوهشهای پوربافرانی (۱۳۹۲)، معیدفر و صبوری خسروشاهی (۱۳۹۰)، پانفیل و همکاران (۲۰۱۲)، بل (۲۰۱۱)، در زمینه سطح کیفیت زندگی خانواده؛ الهیاری و حسینی (۱۳۹۳)، نوروزی اصفهانی (۱۳۹۳)، پانفیل و همکاران (۲۰۱۲)، بل (۲۰۱۱)، جئونگ و چون (۲۰۱۰)، اسمیت، فرمن و ازبرسکی، (۲۰۰۹)، در زمینه نقش عملکرد خانواده؛ نوروزی اصفهانی (۱۳۹۳)، پوربافرانی (۱۳۹۲)، برانج و همکاران (۲۰۰۹)، ژئونگ و همکاران (۲۰۰۸)، پراتا (۲۰۰۶)، شاه و همکاران (۲۰۱۶)، در زمینه نقش بلوغ؛ عابدی و همکاران (۱۳۹۱)، در زمینه نقش علم و آگاهی و عابدی و همکاران (۱۳۹۱)، پوربافرانی و همکاران (۱۳۹۴)، نوروزی اصفهانی (۱۳۹۳)، پوربافرانی (۱۳۹۲)، سپاه‌منصور و همکاران (۱۳۹۳)، پانفیل و همکاران (۲۰۱۲)، در زمینه نقش تجربه گذشته، همخوانی دارد. یعنی شرایط تسهیلگر موجب استفاده از راهبردهای ناکارآمد و در نتیجه ایجاد تضاد و تعارض می‌شوند.

راهبردهای ارتباطی، حل مسئله، حل تعارض، کنترل خشم و تصمیم‌گیری ناکارآمد والدین و نوجوان از جمله راهبردهایی اند که والدین و نوجوان با توجه به سبک فرزندپروری والدین و تحت تأثیر شرایط زمینه ای و مداخله‌گر، در مواقع ایجاد مشکل از آن استفاده می کنند. ناکارآمد بودن راهبردها نقشی بسیار مهم در ایجاد تعارض میان والدین و نوجوانان دارد که با توجه به مهارتهای والدگری والدین و تحت تأثیر شرایط زمینه ای و مداخله‌گر موجب ایجاد سایر مشکلات می‌شود. این نتایج با نتایج پژوهشهای جعفرنژاد و همکاران (۱۳۹۴)، نوروزی اصفهانی (۱۳۹۳)، پوربافرانی (۱۳۹۲)، خواجه‌نوری و هاشمی‌نیا (۱۳۹۰) و برانج و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی دارد، چرا که ارتباط سالم، ارتباطی روشن و مستقیم هم در زمینه ابزاری و هم در زمینه عاطفی است و

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

هرچه ارتباط روشن‌تر و مستقیم تر باشد، عملکرد خانواده مؤثرتر و هرچه پنهان‌تر و غیرمستقیم‌تر باشد، عملکرد خانواده ضعیف‌تر می‌شود. یعنی باید هم پیام و هم هدف پیام مشخص باشد. پیامد، خروجی حاصل از به‌کارگیری راهبردهاست. بررسی مدل پارادایمی نشان می‌دهد که استفاده از راهبردهای ارتباطی، حل مسئله، حل تعارض، کنترل خشم و تصمیم گیری ناکارآمد در این مرحله از چرخه زندگی خانواده از جانب والدین و نوجوان موجب ایجاد مشکلات روانشناختی (مشکلات رفتاری، عاطفی و هیجانی و شناختی) مانند احساس تنهایی و طردشدگی و مشکلات تحصیلی و تربیتی در نوجوان و پایین آمدن سطح کیفیت زندگی خانوادگی می‌شود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

منابع

اسدی، الهه؛ جاویدی، حجت‌الله و قاسمی، نوشاد. (۱۳۹۴). رابطه تعارض والد- نوجوان، تاب آوری با مشکلات روانشناختی نوجوانان مقطع دوم و سوم راهنمایی در مناطق چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز. *مطالعات روان شناختی، ۱۱*(۱)، ۷۵- ۹۶.

اسدی، مسعود. (۱۳۹۴). *طراحی و اعتباریابی الگوی والدگری موفق در نمونه‌هایی از خانواده‌های ایرانی: پژوهشی ترکیبی مبتنی بر ریاضیات فازی*. رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی تهران.

الهیاری، طلعت و حسینی، نامدار. (۱۳۹۳). ارتباط عملکرد خانواده با رفتارهای وندالیستی(خرابکارانه) دانش آموزان در شهر جوانرود استان کرمانشاه. *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۳*(۱)، ۵۳-۶۷.

انیسی، جعفر؛ سلیمی، سید حسین؛ میرزمانی، سیدمحمود؛ رئیسی، فاطمه و نیکنام، مژگان. (۱۳۸۶). بررسی مشکلات رفتاری نوجوانان. *مجله علوم رفتاری، ۱* (۲)، ۱۶۳-۱۷۰.

پاکدامن، شهلا؛ سیدموسوی، پریسا سادات؛ قنبری، سعید و ملحی، الناز. (۱۳۹۰). کیفیت دلبستگی به والدین و نشانه‌های درونی‌سازی شده و برون‌سازی شده در نوجوانان: بررسی مقایسه ای نقش پدران و مادران. *فصلنامه پژوهشهای نوین روانشناختی، ۶*(۲۳)، ۲۱-۴۴.

پناهی، محمدحسین و زارعان، منصوره (۱۳۹۱). سلامت خانواده و عوامل اجتماعی موثر بر آن. *فصلنامه علوم اجتماعی*، (۵۹)، ۱-۳۹.

پوربافرانی، معصومه. (۱۳۹۲). *بررسی عوامل پیش بینی کننده تعارض مادر- دختر در نوجوانان دختر شهرستان نایین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه اصفهان.

پوربافرانی، معصومه؛ اعتمادی، عذرا؛ اکبرزاده، مهدی و جزایری، رضوان السادات. (۱۳۹۴). نقش سبک حل تعارض مادر، تعارض زناشویی مادر و سبک دلبستگی دختر در تعارض دختر با مادر. *روشها و مدلهای روانشناختی، ۶*(۲۱)، ۱-۲۲.

جعفرنژاد، خدیجه؛ اسدی‌یونسی، محمدرضا و راستگومقدم، میترا. (۱۳۹۴). رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با فراوانی و شدت تعارضات والدین – نوجوانان. *خانواده پژوهی، ۱۱*(۲)، ۲۱۹-۲۳۵.

خواجه نوری، بیژن و هاشمی‌نیا، فاطمه. (۱۳۹۰). رابطه تعارضات والدینی با بزهکاری. *فصلنامه* زن و جامعه (جامعه شناسی زنان)، ۲(۲)، ۱۹- ۳۸.

ریاحی، موسی؛ اسمعیلی، معصومه و کاظمیان، سمیه. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش آگاهی سیال به مادران بر بهبود روابط والد – فرزند با همایندی خودکارآمدی در فرزندان. *فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۲*(۱)، ۲۷-۵۲.

سپاه‌منصور، مژگان؛ امامی‌پور، سوزان و امرالهی بیوکی، عطیه. (۱۳۹۳). مقایسه عملکرد خانواده و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دو گروه نوجوانان مستقل و وابسته به دیگران. *تحقیقات روانشناختی، ۶*(۲۴)، ۱۳-۳۳.

سپهری، صفورا و پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۹). الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین. *روشها و مدلهای روانشناختی*، دانشگاه آزاد مرودشت، *۱*(۲)، ۷۵-۹۲.

شهنی‌ییلاق، منیجه؛ عزیزی‌مهر، الهه و مکتبی، غلامحسین. (۱۳۹۲). رابطه علی تعارض آشکار و تعارض نهان بین والدین با عملکرد تحصیلی با میانجیگری رابطه والد- فرزند، رفتار ضداجتماعی و افسردگی در دانش آموزان دبیرستانی. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی، ۳*(۲)، ۱-۱۶.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

صادق‌زاده، مرضیه و سامانی، فاطمه. (۱۳۸۹). پیش‌بینی استرس، اضطراب و افسردگی نوجوانان بر اساس دو بعد از مدل فرایند و محتوای خانواده. *روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، ۱* (۲)، ۶۱-۷۴.

صادقی‌فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی. زن در فرهنگ و هنر، ۵ (۱)، ۶۳-۸۴.

صلواتی، سارا و شکری، امید. (۱۳۹۴). تحلیل روانسنجی مقیاس ارزیابی‌های کودکان از تعارض بین والدینی. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۱۱*(۴۴)، ۳۷۹-۳۸۹.

عابدی، حیدرعلی؛ محمدی خشویی، روح‌انگیز و صالحی، شایسته. (۱۳۹۱). خواستها و تمایلات روانی اجتماعی اولین کودک در خانواده: یک مطالعه کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۱*(۱)، ۱-۷.

فلیک، اووه. (۱۳۹۶). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۶).

قره‌باغی، فاطمه. (۱۳۸۹). نقش تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک. *پژوهشهای روانشناختی، ۱۳*(۱)، ۸۹-۱۰۸.

قمری، محمد؛ امیری‌مجد، مجتبی و خوشنام، امیرحسین. (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده و تعارض والد-نوجوان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی. *آموزش و ارزشیابی، ۷*(۲۸)، ۵۱-۶۲.

کارلسون، جی.؛ اسپری، ال. و لویس، جی. (۱۳۹۵). *خانواده درمانی: تضمین درمان کارآمد*، ترجمه شکوه نوابی‌نژاد. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۷).

کرسول، جان دبلیو و پلانو کلارک، ویکی. (۱۳۹۴). *روشهای پژوهش ترکیبی*، ترجمه علیرضا کیامنش و جاوید سرایی. تهران: آییژ. (تاریخ انتشار به زبان اصلی،۲۰۰۷).

محمدی پور، محمد و جعفرزاده، تکتم. (۱۳۹۴). بررسی رابطه فشارزاهای روانی، تعارضات والد – فرزندی با اختلال بی‌اشتهایی عصبی در دختران ۱۷ تا ۲۰ ساله شهر بجنورد. *فصلنامه پژوهشنامه تربیتی، ۱۰*(۴۲)، ۱-۱۰.

معیدفر، سعید و صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۹۰). تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه وتوسعه اجتماعی*، ۲ (۷)، ۶۷-۹۸.

نظری، علی‌محمد. (۱۳۹۴). *مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی*. تهران: نشر علم.

نوابی‌نژاد، شکوه. (۱۳۹۵). *مشاوره ازدواج و خانواده درمانی*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

نوروزی اصفهانی، ستاره. (۱۳۹۳). *بررسی تأثیر مشاوره راه حل‌مدار بر نگرش والد – نوجوان و تعارضات والد – نوجوان در دختران دبیرستانی شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه اصفهان.

نوری، اعظم. (۱۳۸۹). عوامل تحکیم و استحکام خانواده. *فصلنامه طهورا*، ۳ (۷)، ۱۴۵-۱۷۸.

نیلفروشان، پریسا؛ عابدی، محمدرضا و احمدی، سیداحمد. (۱۳۹۳). *آسیب شناسی خانواده: طبقه‌بندی و سنجش*. انتشارات دانشگاه اصفهان.

هسه، بیبر و شرلین، نگی. (۱۳۹۶). *پژوهش روش‌های ترکیبی: تلفیق نظریه و عمل*، ترجمه علیرضا کیامنش، نیلوفر اسماعیلی و صبا حسنوندی. تهران: نشر علم (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۶).

هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۰). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: انتشارات سمت.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

Adrian, M., Zeman, J., Erdley, C., Lisa, L., & Sim, L. (2011). Emotional dysregulation and interpersonal difficulties as risk factors for nonsuicidal self-injury in adolescent girls. *Journal of Abnormal Child Psychology, 39*(3), 389-400.

Ashbourne, L. M. (2009). Re-conceptualizing parent-adolescent relationship: A dialogic model. *Journal of Family Theory & Review, 1*(4), 211-222.

Beerkien, M., Louwerse, A., Verhulst, F., & van der Ende, J. (2012). Children's perceptions of dissimilarity in parenting styles are associated with internalizing and externalizing behavior. *European Child & Adolescent Psychiatry, 21*(2), 79-85.

Bell, A. S. (2011). A critical review of ADHD diagnostic criteria: What to address in the DSM-V. *Journal of Attention Disorder, 15*(1), 3-10.

Branje, S. J. T., van Doorn, M., van der Valk, I., & Meeus, W. (2009). Parent–adolescent conflicts, conflict resolution types, and adolescent adjustment. *Journal of Applied Developmental Psychology, 30*(2), 195-204.

Charmaz, K. (2014). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis* (2nd ed). London, England: Sage.

Collins, W. A., & Steinberg, L. (2006). Adolescent development in interpersonal context. In W. Damon, & N. Eisenberg (Eds.), *Handbook of child psychology* (vol 4, p. 1003-1067). New York, NY: Wiley.

Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (3rd ed). Thousand Oaks, CA: Sage.

Creswell, J. W. (2013). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (3rd ed). Thousand Oaks, CA: Sage.

Doyle, A. B., & Markiewicz, D. (2005). Parenting, marital conflict and adjustment from early- to mid- adolescent: Mediated by adolescent attachment style?. *Journal of Youth and Adolescence, 34*(2), 97-110.

Gallarin, M., & Alonso-Arbiol, I. (2012). Parenting practices, parental attachment and aggressiveness in adolescence: A predictive model. *Journal of Adolescence, 35*(6), 1601-1610.

Hall, J. A. (1987). Parent-adolescent conflict: An empirical review. *Journal of Adolescence, 22*(88), 767-789.

Hamidi, F., & Mohamad Hosseini, Z., (2010). The relationship between irrational beliefs and social, emotional and educational adjustment among junior students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 5,* 1531-1536.

Jeong, Y.-J., & Chun, Y.-J. (2010). The pathways from parents' marital quality to adolescents' school adjustment in South Korea. *Journal of Family Issue, 31*(12), 1604-1621.

Juang, L. P., Syed, M., Cookston, J. T. (2012). Acculturation-based and everyday parent-adolescent conflict among Chinese American adolescents: Longitudinal trajectories and implications for mental health. *Journal of Family Psychology, 26*(6), 916-926.

Koh, B. D., & Rueter, M. A. (2011). Contributions of parent–adolescent negative emotionality, adolescent conflict, and adoption status to adolescent externalizing behaviors. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology, 40*(6), 825-836.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

Kuhlberg, J. A., Peña, J. B., & Zayas, L. H. (2010). Familism, parent-adolescent conflict, self-esteem internalizing behaviors and suicide attempts among adolescent Latinas. *Child Psychiatry and Human Development, 41*(4), 425-440.

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage.

Marceau, K., Dorn, L. D., & Susman, E. J. (2012). Stress and puberty-related hormone reactivity, negative emotionality, and parent–adolescent relationships. *Psychoneuroendocrinology, 37*(8), 1286-1298.

Markel, C., & Wiener, J. (2014). Attribution processes in parent–adolescent conflict in families of adolescents with and without ADHD. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue Canadienne des Sciences du Comportement, 46*(1), 40-48.

Maxwell, J. A. (Ed.). (1996). *Qualitative Research Design*. Newbury Park, CA: Sage.

_____. (2005*). Qualitative research design*: *An interactive approach* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.

McKinney, C., & Renk, K. (2011). A multivariate model of parent–adolescent relationship variables in early adolescence. *Child Psychiatry and Human Development, 42*(4), 442-462.

Moitra, T., & Mukherjee, I. (2012). Parent-adolescent communication and delinquency: A comparative study in Kolkata, India. *Europe Journal of Psychology, 8*(1), 74-94.

Motti-Stefanidi, F., Pavlopoulos, V., & Tantaros, S. (2011). Parent-adolescent conflict and adolescents' adaptation: A longitudinal study of Albanian immigrant youth living in Greece. *International Journal of Developmental Science, 5*(1-2), 57-71.

Nichols, M. P. (2012). *Family therapy: Concepts and methods* (10th ed.) Boston: Pearson.

Okorodudu, G. N. (2010). Influence of parenting styles on adolescent delinquency in delta central senatorial district. *Edo Journal of Counseling, 3*(1), 58-86.

Onwuegbuzie, A. J., & Leech, N. L. (2007). Validity and qualitative research: An oxymoron? *Quality & Quantity: International Journal of Methodology, 41*(2), 233-249.

Panfile, T. M., Laible, D. J., & Eye, J. L. (2012). Conflict frequency within mother-child dyads across contexts: Links with attachment security and gender. *Early Childhood Research Quarterly, 27*(1), 147-155.

Pearson, K. L. (2005). *Healthy and harmful adolescent attachment, conflict, and anger.* Doctoral dissertation, Swinburne University of Technology.

Prata, P. L, (2006). *Mother-adolescent conflict and relationship quality in youth with and without behavior problems.* MA thesis, Florida Atlantic University.

Samek, D. R., Wilson, S., McGue, M., & Iacono, W. G. (2016). Genetic and environmental influences on parent-child conflict and child depression through late adolescence. *Journal of Clinical Child and Adolescence Psychology,* 1-16. Doi: 15374416, 2016, 1141357/10, 1080

Schalet, T. (2011). Beyond abstinence and risk: A new paradigm for adolescent sexual health. *Women's Health Issues, 21*(3Supl), 5-7.

Shaffer, D. R., & Kipp, K. (2011). *Developmental psychology: Childhood and adolescence*. New York: Cengage Learning.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

Shah, R., Chauhan, N., Gupta, A. K. & Sen, M. S. (2016). Adolescent-parent conflict in the age of social media: Case reports from India. *Asian Journal of Psychiatry, 23*, 24-26.

Smith, K. M., Freeman, P. A., & Zabriskie, R. B. (2009). An examination of family communication within the core and balance model of family leisure functioning. *Family Relations: An Interdisciplinary Journal of Applied Family Studies, 58*(1), 79-90.

Steinmetz, S. K., & Sussman, M. B. (Eds.). (2013). *Handbook of marriage and the family*. New York: Springer Science + Business Media.

Strauss, A. L. (1987). *Qualitative analysis for social scientists.* New York: Cambridge University Press.

Stutzman, V. S., Bean, R., Miller, R., Day, R., Feinauer, L., Porter, C., & Moore, A. (2011). Marital conflict and adolescent outcomes: A cross-ethnic group comparison of Latino and European-American youth. *Children and Youth Services Review, 33*, 663-668.

Tummala-Narra, P., & Sathasivam-Rueckert, N. (2013). Perceived support from adults, interactions with police, and adolescents' depressive symptomology: An examination of sex, race, and social class. *Journal of Adolescence, 36*(1), 209-219.

Vangelisti, A. L. (2012). *The Routledge handbook of family communication.* New York, NY: Routledge.

Xiong, Z. B., Tuicomepee, A., & Rettig, A. (2008). Adolescents' problem behaviors and parent-adolescent conflicts in Hmong immigrant families. *Hmong Studies Journal, 9*, 1-21.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]